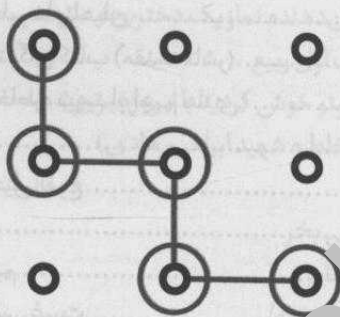




۲ آزیتاوت

حالت منتخب ابریه معروف و غنی از هنر

عنوان و نام پدیدآور: از یاد رفته ۲: خاطرات منتخب امر به معروف و نهی از منکر/کاری از جنبش حیات. [جنبش دانشجویی حیا؛ با مقدمه‌ای محمد علی جاودان و علیرضا پناهیان].

مشخصات نشر: تهران: کتاب رواق اندیشه، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴-۱۹۰۰-۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴-۱۹۰۰-۱ : ۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

موضوع: هادی، ابراهیم. ۱۳۶۱ - ۱۳۶۱.

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر

موضوع: enjoining what is good* and prohibiting what is evil

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر - داستان

موضوع: enjoining what is good* and prohibiting what is evil - fiction

موضوع: شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات

موضوع: martyrs - iran - survivors - diaries

شناسه افزوده: جاودان، محمدعلی، ۱۳۲۸ - مقدمه نویس

شناسه افزوده: پناهیان، علیرضا، ۱۳۴۴ - مقدمه نویس

شناسه افزوده: جنبش دانشجویی حیا

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶/۴/ BP۲۲۶/الف ۲۴۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۵۴۳۹۴

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان "از یاد رفته واجب فراموش شده: خاطرات امر به معروف و نهی از منکر" توسط همین ناشر منتشر شده است.

آن دیگر: خاطرات منتخب امر به معروف و نهی از منکر.

یادداشت: یاد رفته واجب فراموش شده: خاطرات امر به معروف و نهی از منکر.

نام کتاب: از یاد رفته ۲

ری از: جنبش حیات

سر: کتاب رواق اندیشه

صفحه آ: مجید انجیرانی

س: ۱۳۹۵

نوبت چاپ: ۱

شماره: ۱۰۰

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴-۱۹۰۰-۱

مرکز پخش: گروه فرهنگی پژوهشی

شماره مرکز پخش: جنبش حیات

خیابان شهید مدنی پلاک ۳۰

شماره تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۰۵۴۴۴

شماره موبایل: ۰۹۳۷۱۶۰۵۹۸۰

(انتشارات) ۰۲۱۶۶۳۸۱۷۵۴

سامانه پیامکی برای ارائه نظرات، پیشنهادات و

انتقادات: ۱۰۰۰۲۹۳۸

جنبش حیات

WWW.JHAYAT.IR

۸.....	مقدمه استاد آیت الله محمدعلی جاودان
۱۶.....	مقدمه استاد علیرضا پناهیان
۱۸.....	سخنی با خوانندگان کتاب (مقدمه ناشر)
۲۳.....	روش تربیت (خاطره شهید ابراهیم هادی)
۲۶.....	ب رو شدیم!
۲۸.....	اکثر الدعا لتعجیل الفرج
۳۰.....	نیش ترمز!
۳۱.....	آرزوهای غریبه
۳۳.....	رکبانان از غیرت
۳۵.....	نهی از رانندگی
۳۹.....	پیوند شیرینی (خاطره شهید ابراهیم هادی)
۴۲.....	بیت المال
۴۳.....	شانس یا ...
۴۵.....	سید مهدی قوام و زن بدکار
۴۹.....	عادی شدن روابط دختر و پسر در فضای مجازی!
۵۱.....	لپ لپ حرام است!
۵۲.....	تذکری به برادر بزرگ تر
۵۳.....	رفاقت با شرط ترک گناه (خاطره شهید ابراهیم هادی)
۵۵.....	برو ماشین عقبی بشین!
۵۶.....	این خوشبو تره!
۵۸.....	چادری شدن دانشجویان تحت تأثیر استاد
۶۰.....	وضو
۶۱.....	تقلب نوشتن
۶۳.....	حق الناس در مسائل شهروندی
۶۴.....	برخورد صحیح (خاطره شهید ابراهیم هادی)
۶۶.....	همه اعتراض می کردند

- تذکر مجازی به یک پیچ خاکستری! ۶۷
- داستان تکان دهنده نماز یک دختر بچه ۶۹
- خرافات شب اول ربیع ۷۲
- بابا برید دلتونو خوش کردید با این رهبرتون ۷۴
- تأثیر کلام (خاطره شهید ابراهیم هادی) ۷۷
- فطرت پاک ۸۲
- ایران! ایرانی، بخر ۸۴
- بھی از من آرام ۸۶
- بی! خرام به همه ۸۷
- ویل لیلما لقفی ۸۸
- ورق بازی (خاطره شهید ابراهیم هادی) ۹۱
- دوستی سیاه ۹۲
- سیگار در دانشگاه ۹۴
- شور بدون شعور! ۹۶
- حمایت از روحانیت ۹۷
- شیخ محمد تقی بافقی ۹۹
- راننده تاکسی و اختلاس ۳۰۰۰ میلیاردی ۱۰۱
- فحش های ناجور در هیئت (خاطره شهید ابراهیم هادی) ۱۰۵
- مثبت شدن منفی ها، با اعمال فرمانده بسیج ما ۱۰۷
- من و پیرمرد در صف نماز جماعت ۱۰۹
- امر به معروف عملی ۱۱۱
- تقلب به بهانه دکترا ۱۱۳
- قربون ادب ۱۱۵
- نمودار موضوعی خاطرات ۱۱۷
- معرفی جنبش حیات: ۱۱۸

مقدمه استاد آیت الله محمد علی جاودان

به مسئلای امر به معروف و نهی از منکر می شود از ابعاد مختلفی نگاه کرد. عظامتی که در روایات برای امر به معروف گفته شده، حیرت آور است. مثلاً امر به معروف و نهی از منکر با همه ی اعمال خیر و حتی جهاد مساوی می شود و به نحو باور نکردنی ترجیح داده می شود. امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِمَعْرُوفٍ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَقَةٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ»^۱. چیزی که بنده می خردم بحث کنم و عمدتاً هم با دوستان از هر جای دیگر همین صحبت را کرده ایم، اهمیت این مسائل بسیار مهم نیست. مسئله ی بسیار مهم دیگری است و آن این که امر به معروف برای خود امر به معروف کننده چقدر سودمند است. من عرض کردم که اگر آدم در امر به معروف مداومت کند و به سرانجام کار بماند، برای خودش آنقدر خوب است که می تواند همه ی خوبی های دنیایی حد و حصر اجتماعی امر به معروف را پوشش بدهد و اصلاً انسان را از دیگران آن را که کم هم نیست فراموش کند...

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست مگر به اندازه رطوبتی که از بخار دهان خارج می شود در برابر دریایی موج و پهنای آن.

انسان در طول زمان، بدون اینکه هیچ عامل تخریب کننده ی جدی ای وجود داشته باشد، عیب های ریز و درشت کسب می کند که اگر بن عیوب را در یک ترازو بگذاریم که شماره کنیم، ممکن است قبل از بارش نباشد.

ما هیچ کاری برای حل مشکلات و رفع عیب های خودمان نمی کنیم. اگر بابت ماه محرم یا ماه رمضان نبود، آن وقت معلوم می شد که در پوش ما چگونه است. نه ماه محرم را ما می آوریم، نه ماه رمضان را. یاد ما می اندازد، یک دهه ای است، که ریزش رحمت خدا مثل سیل است. این سیلاب رحمت خدا ما را شست و شو می دهد. اگر این ها نبود نمی دانیم چه می شد معلوم نبود چند سال اگر این طور می گذشت و ما ماه رمضان را به حرم را نداشتیم بر سر ما چه می آمد و ما چه می شدیم...

ما به خودی خود هیچ کاری برای معالجه عیب و حل مشکلات روحی خودمان نمی کنیم! جداً نمی کنیم! در مورد آن بزرگ نقل کرده اند که ایشان غیبتی شنیده بود و گفته بود بیست سال رحمت هایی که کشیده بودم همه به باد رفت...

همه ی حرف ما این است؛ این امر به معروف از آن کارهایی است که مداومت بر آن، یک مجاهدت و یک ریاضت شرعی است برای حل همه ی مشکلات و عیب های عملی و اخلاقی ما.

اگر امر به معروف آن طور که بایسته است و شایسته است انجام می شد، شهر ما و شهر شما این طور نبود! امروز چنین چیزی نیست و

به زودی هم قابل تحصیل نیست. با این فرض که بیان شد، دیگر کسی نمی‌تواند بگوید که «آقا! من چطور یک نفری در مقابل همه گناهان موجود در شهر ده میلیون نفری تهران قرار بگیرم و سینه سپر کنم؟!»

اگر تمام جنبش حیا را جمع کنیم هزار نفر هم نیستند! این هزار نفر - اگر هزار نفر باشند - هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. هزار نفر از صبح تا شب هر چه را به معروف کنند، هیچ بخشی از مشکلات یک شهر ده میلیون نفره را برطرف نمی‌دهند! پس با این حساب باید ناامید شویم! وقتی آدم کار به ثمر نمی‌رسد ناامید می‌شود؛ چرا وقتی ثمر ندارد امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟ اما با آن فرضی که گفته شد این عامل ناامیدی فراموشی بود. دیگر کسی این حرف را نمی‌زند. شما هر لحظه‌ای که در حال امر به معروف و نهی از منکر هستید، داری یک قدم در ساختن خودت برمی‌داری.

امر به معروف و نهی از منکر و اشکالاتی که از وجود آدم بر طرف می‌کند. فرض کنید کسی جریان ریاضی بزرگ برای دست یافتن به اسم اعظم را پیش گرفته باشد... اثر امر به معروف و نهی از منکر در ساختن شخصیت آدم این چنین است!

ببینید، شما و بنده آن سوی عالم که می‌رویم، به آخرت که پای می‌گذاریم؛ بر سر سفره‌ای می‌نشینیم که خود آماده کرده ایم و خود ساخته و پرداخته ایم. ما که کاری نکرده ایم و عملی نداریم. امر به معروف چه بخواهی و چه نخواهی، ساختمانی که برای خود باید

بسازیم و هیچ وقت دیگر برای ساختن آن همت و کاری نمی‌کنیم را برای ما می‌سازد. اگر کسی پیگیر این عمل باشد، صفات و خصلت‌های فقه، العاده‌ای در او پدید می‌آورد! البته آدم باید کار را دنبال کند.

در قرآن داریم: «لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ». قه‌های بهشتیان، طبقه روی طبقه روی طبقه ساخته شده است! خب، این‌ها را که ساخته؟ خودم باید بسازم! با امر به معروف و نهی از منکر. آدم «غُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ» را می‌تواند داشته باشد. هر چه زمان بیشتری را آدم به امر به معروف و نهی از منکر بگذراند، هر چه تعداد بیشتری به امر به معروف بپردازد، به مرتبت بالاتری دست می‌یابد.

نکته‌ی دیگر اینکه عبادت‌هایی مثل نماز با هم تفاوتی ندارند، همه‌ی نمازهای ما معمولاً مثل هم اند یا رِق چندانی ندارند. اما حوادثی که در خلال امر به معروف و نهی از منکر برای انسان پیش می‌آید، و من در برابرش باید اقدام کنم، باید انجام دهم، باید بایستم؛ کاملاً با هم متفاوتند. بنا بر این من باید یک عرض را به شما عرض کنم. کار بپریم و سختی تازه‌ای متحمل شوم. این سختی‌های تازه و فراوان، برای آن ساختمان که وظیفه دارم برای شخصیت خودم بسازم، بسیار مفید است و اصل مطلب این است که این کار فوق‌العاده دارد و هیچ کار دیگری به مثابه این عمل وجود ندارد.

مثلاً شاید اگر از این آقایان روحانی کاروان بپرسید که مکه اولت با

مکه دومت چقدر متفاوت بود؟ دوم با سوم چه؟ الآن که مثلا مرتبه بیست و پنجم است داری به سفر مکه می روی چه؟ دیگر برایش مثل سفر قم شده... خیلی سنگینی و بارش برای ساختن ساختمان شخصیت او کم شده است.

اما، امر به معروف و نهی از منکر، من یک باریک چیزی می گویم و وحشی می شنوم؛ دفعه ی بعد یک فحش جدید دیگر می شنوم! و هر کدام یک جو به جگر آدم زخم می زند! این مسائل تاثیرش در ساختمان شخصیت می فوق العاده است و ممکن است با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نباشد.

پس این نتیجه است که امر به معروف و نهی از منکر برای شخص امر به معروف دارد، خیلی بیشتر از نقد و دست تر از آن چیزی است که برای مخاطب و جامعه می تواند داشته باشد.

من شرح احوالی که دوستان از خانات امر به معروف تالیف کردند (کتاب پیش رو) را می خوانم و می بینم که واقعا گاهی به این امران به معروف سخت گذشته است! هر کدام به شکلی سخت گذشته است! این شکل تحمل سختی ها، نتایجی برای شخص امر به معروف می آورد که با هیچ عمل خوب دیگری نمی توانیم مقایسه کنیم.

در آینده یک روزی ما به این شخصیت احتیاج داریم: نه حالا در این دنیا. از لحظه مرگ تا دوران زلزله ی عظیم جهانی قیامت: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» این زلزله ای

که در ایران اتفاق می افتد مثلاً پنج شهر را می لرزاند. آن زلزله جهان را می لرزاند! می توانیم مقایسه کنیم؟! اصلاً آیا فقط همین زمین می لرزد؟ نه... این چه می شود... اصلاً مرگ را نمی توان با هیچ یک از حوادث این دنیایم مقایسه کرد... با هیچ حادثه‌ای... هیچ حادثه‌ای...

ببینید، کسانی هستند که می فرماید: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ جَالٌ تَرَى خُونٌ كُلًّا بِسِيْمَاهُمْ»^۱. آن هایی که بر اعراف هستند، حادثی که در قیامت اتفاق می افتد، برای آن ها اتفاق نمی افتد. در پایان قسمت اول: بابت حضرت رضا علیه السلام می فرماید «وَاصْرِفْ عَنِّي هَمَّ نَفْسِي فِي الدُّنْيَا وَآلِ حِزَّةٍ، أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲. برای کسانی که علی الاعراف هستند، هیچ حادثی اتفاق نمی افتد. هیچ حادثه‌ای اتفاق نمی افتد. آن ها در امن کاملند. «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ»^۳؛ در مقام امن اند. هیچ حادثه‌ای برایشان پیش نمی آید... اما برای دیگران چه؟ قرآن صحبت از حضور^۴ می کند. حُضُور در قیامت یک چیز بزرگی است...

آنچه که اینجا می سازیم به درد آن روزها می خورد. راجع به دنیا هیچ نتیجه‌ای اگر نداد هم نداد... اما با امر به معروف و نهی از منکر

۱. سوره مبارکه اعراف، آیه ۴۶

۲. غم و اندوهم را به واسطه ایشان برطرف فرما و به واسطه ایشان هول و وحشت های قیامت را از من برکنار بدار.

۳. سوره مبارکه دخان، آیه ۵۱

۴. «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ». (باز هم) يك فریاد است و پس؛ و به ناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند. (سوره مبارکه یس، آیه ۵۳)

شخص برای خودش یک شخصیتی ساخته است که می‌تواند در برابر حوادث عظیم قیامت تاب بیاورد! که یوم عظیم^۱ است... و یوم عبوس^۲ است و...

کاری که آدم در امر به معروف و نهی از منکر می‌کند کار بزرگی است برای ساختن خودش. این ساختن، هم در حوادث این روزگار که حادثه‌سازنی وجود دارد و زندگی سختی‌هایی دارد، به درد می‌خورد و هم آن عالم.

البته اگر حجت‌الاعلی هم اگر کار به جای خوبی برسد و عدد امر به معروف کندگار، به اندازه لازم برسد، ناگزیر فضایل و نتایج اجتماعی فوق العاده‌ای خواهد داشت، اما می‌خواهیم عرض کنیم، با فرض اینکه هیچ ثمره‌ای در این دنیا هم نداشته باشد، ثمرش برای خودمان آنقدر زیاد است که در هیچ ترازویی نمی‌گنجد.

نکته آخر هم اینکه در میان امر به معروف و نهی از منکر، امت‌هایی بوده است که امر به معروف کننده داشته‌اند. امت‌هایی هم بوده‌اند که امر به معروف کننده نداشته‌اند و یا تعداد امر به معروف کنندگان به اندازه لازم و کافی نبوده است. من داشتم با خودم فکر می‌کردم که اگر یک نفر وجود داشته که برای نهی از منکر داد می‌زده، این خریدار بلا از این شهر دور می‌کرده است. اگر صد نفر شدند، صد برابر بد را از شهر دور می‌کنند. ما معتقدیم گناه، اثر بد به بار می‌آورد. اما وقتی یک نفر

۱. قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ. سوره مبارکه انعام، آیه ۱۵

۲. إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا. سوره مبارکه انسان، آیه ۱۰

دارد بر علیه گناه فریاد می زند، بعد نفر دوم فریاد می زند، و همین طور صدها و هزاران نفر فریاد می زنند، این ها بلا را از شهر خودشان دور می کند. این جنبه ازکار هم خیلی بزرگ است! چیز کمی نیست... و با سوراخ آن، به غیر از آثار خارجی، وقتی امریه معروف باشد، کم کم آن معروف زنده می شود و وقتی نهی از منکر باشد، در طول زمان آن منکرات می میرند.